

بالماسکه انتخابات به پایان خود نزدیک می شود!

هیات تحریریه سایت راه کارگر در صفحه 3



نمایشی در یازده پرده!

نگاهی آماری به سه دهه " انتخابات " ریاست جمهوری در ایران

آرش کمانگر در صفحه 5

رسوایی های بزرگ نمایش انتخاباتی!

تقی روزبه در صفحه 8

نامه مشترک سه تشکل کارگری

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
سندیکای کارگران فلزکارمکانیک
هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش



به سازمان جهانی کار ILO

در صفحه 10

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان بمناسبت مضحکه انتخابات ریاست جمهوری ایران نمایش انتخاباتی رژیم را فعالانه تحریم کنیم

ما کمونیستهای پایبند به وسیعترین و عمیق ترین نوع دمکراسی و خودحکومتی واقعی مردم و پایبند به آزادیهای بی قید و شرط سیاسی ، حق بی چون چرای انتخاب کردن و انتخاب شدن را همچون اکسیژنی میدانیم که بدون آن حق شهروندی مجال نفس کشیدن پیدا نمی کند . کبیرترین انقلابات و تحولات آغازین نظام سرمایه داری ، وقتی به مدد رشادت مردم به سلطه اشرافیت فئودال و سلطنت مطلقه پایان دادند تا سلطه بورژوازی را به کرسی نشانند ، نه تنها برای نیمی از جمعیت - زنان - حق رای قائل نبودند بلکه برای اکثریت جامعه یعنی کارگران ، تهیدستان و برزگران نیز بدلیل فقدان مالکیت ابزار تولید و سرمایه ، هیچ نوع حقی قائل نبودند . مبارزه جانانه جنبش کارگری - سوسیالیستی بوده که سبب گردید اکثریت مردم در جهان حداقل روی کاغذ هم که شده از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن فارغ از جنسیت و طبقه و ملیت و نژاد و غیره برخوردار شوند .

بقیه در صفحه 2

جعبه های مارگیری انتخابات فرمایشی و ترفندهای جدید آماده می شوند!!

بهبود سوزن

به جرات میتوان گفت که جمهوری اسلامی در زمینه انتخابات من درآوردی و فرمایشی خود فصل جدیدی را پیش روی خود دارد. در هیچ دوره ای تا کنون با این همه مخالف برگزاری باصلاح انتخابات روبرو نشده است. چنانچه زمانی حاکمیت با اتکا بر توهمات مذهبی طیفهای گسترده مردم صفهای طویل در مراکز رای گیری را بنمایش میگذاشت و یا پس از برگزاری آنها شیپور حماسه!! سازی مردم شهیدپرور در انتخابات را روانه روزنامه ها و بلندگوهای تصویری خود میکرد. مشروعیت حاکمیت اش را جار می زد و در صحنه بین المللی باد به غیب می انداخت! امروز نگران است. دلشوره دارد. می ترسد که وزن طیفهای تحریم کننده بر حاکمیت جابرانه اش سایه اندازد و زمزمه رفتن و سقوطش را بر سر زبان ها بی اندازد. در این دوره با امواج گسترده تحریم روبرو شده است. این امواج از طیف های بسیار گسترده و رنگین و بخشا از (فرزندخواندگان) خود حاکمیت تشکیل شده اند. اتمیزه شدن کاندیدهای خودی نیز آنچنان است که دست بر طیفبندی برده اند و یارگیری می کنند تا نتیجه احتمالی ضعیف انتخابات را مقبول جلوه دهند.

بقیه در صفحه 9

ادامه اعلامیه سازمان ...

بازمعلوم نیست شمارش آرای بدست آمده ، مهندسی و دستکاری نشود کما اینکه در " انتخابات " ریاست جمهوری خرداد ۸۸ شد !! در واقع دیربست جناح حاکم بر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی دیگر حتی به صافی تنگ شورای نگهبان نیز اطمینان ندارد و رسماً سخن از مهندسی آرای به صندوق ریخته شده میکند .

بعلاوه آپارت تودر توی رژیم اسلامی سرمایه در ایران ویژه گیهایی دارد که آنرا از اکثریت جوامع سرمایه داری دیگر منفک میکند و آن این حقیقت واضح است که " ریاست قوه اجراییه و شخص دوم مملکت " رویایی است که ساده لوح ترین آدمها نیز نمی توانند آنرا باور کنند . در این نظام جهنمی بر فرض محال ، رئیس جمهور " منتخب مردم " حتی اگر هم بخواهد نمی تواند کار چندانی از پیش ببرد . مقامی که نه کنترل قوای نظامی و انتظامی در دست اوست ، نه اختیار وزارت اطلاعات و وزارت خارجه را دارد و نه در مورد انرژی هسته ای و بسیاری از بخشهای اقتصاد دخالتی میتواند بکند و بدون جلب رضایت ولی فقیه و بیت رهبری و سپاه و مجلس و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوه قضائیه و انبوه دستجات " لباس شخصی " و نهادهای موازی نمی تواند آب هم بخورد؛ سخن گفتن از حق انتخاب ریاست قوه مجریه ، چنان نمایش بی خاصیتی است که نه قدرت خندانند مردم را دارد و نه حتی قدرت گریاندن آنها .

دعوت مردم به شرکت در این نمایش مضحک دیگر صرفاً یک خطای سیاسی نیست ، راست و پوست کنده مشروعیت دادن به رژیمست که از صندوق رای تنها همین را می فهمد لذا از آن نه بعنوان ابزاری در خدمت حقوق شهروندی بلکه در راستای بی حق کردن مردم از حقوق مسلم خود بهره می جوید .

تحریم این " ضد انتخابات " فاشیستی ، نه آخرین گزینه ، بلکه اولین گزینه ماست . سرنگونی کلیت رژیم اسلامی و نظام سرمایه داریش بوسیله یک انقلاب حقیقتاً اجتماعی و با تکیه بر نیروی لایزال اکثریت کار و زحمت و نه این یا آن قدرت امپریالیستی ، تنها راه دستیابی به آزادی و برابری در ایران است .

سازمان ما مدافع تحریم فعال کارزار انتخاباتی ارتجاع مذهبی و سرمایه داری در همین شرایط است. ما از طبقه کارگر و سایر زحمتکشان یعنی اکثریت مردمان ساکن ایران و جنبشهای اجتماعی آنان دعوت میکنیم تا با پشت کردن به همه کاندیداهای ریز و درشت کلیت رژیم و صندوقهای رای سازی آن، از شکاف میان بالانیهها استفاده کنند و مطالبات جاری و انقلابی خودشان را به صحنه بیاورند.

خنده آور است اما حقیقت دارد در کشور ما برای " انتخابات آزاد " هم که شده باید شیشه عمر رژیم را بر زمین کوبید !

سرنگون باد رژیم اسلامی سرمایه
زنده باد آزادی ، زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر

۲ ژوئن ۲۰۱۳ - ۱۲ خرداد ۱۳۹۲



بورژوازی اما با این عقب نشینی و کوتاه آمدن تا حد دمکراسی لیبرالی ، سعی کرده و میکند که حق رای همگانی بدل به حق تعیین سرنوشت واقعی مردم توسط خود مردم نشود . در به اصطلاح آزادترین جوامع سرمایه داری نیز مردم تنها مجازند که همچون " توده عوام " مشتئی " نخبه و فرهیخته " را به نمایندگی برگزینند تا چهار یا پنج سال یا بیشتر ، عنان اختیار خود را به آنها واگذارند . البته در جوامع سرمایه داری بخش مهمی از تصمیمات کلان سیاسی - اقتصادی و اجتماعی توسط موسساتی گرفته می شوند که انتخابی نیستند اما آن نهادها و پستهای هم که انتخابی اند هم تابعی از قدرت اقتصادی بازیگران صحنه سیاست اند . در " آزاد " ترین نوع جوامع سرمایه داری احزاب بورژوازی با تکیه بر تبلیغات و سرمایه های چند صد میلیون دلاری سعی میکنند مطالبات مردم و افق خواستههای آنها را چنان لاغر و کم هزینه کنند که عملاً راهی جز انتخاب میان بد و بدتر از میان سیاستمداران طبقه حاکم در برابر مردم قرار نداشته باشد . و بدین سان است که نیمی از مردم مایوس از این سیستم انتخابی مضحک که حرف اول را در آن کیسه پول کاندیداها میزند از شرکت در رای گیریها سرباز میزنند و نیمی دیگر عمدتاً میان بد و بدتر یکی را بر میگزینند و نتیجه اینکه " دمکرات " ترین دول بورژوازی تنها با کمتر از یکسوم حمایت توده ای بقدرت میرسند و اسم این خیمه شب بازی را میگذارند " حکومت مردم بر مردم " !!

اما آیا بیان این حقیقت کریه نظام انتخاباتی در مناسبات سرمایه داری ، بدین معناست که ما کمونیستها نسبت به هر نوع انتخابات و رای گیری در این جوامع بی توجه هستیم و برای دخالت در امر سیاست ، صرفاً منتظر انقلاب اجتماعی هستیم؟! نه به هیچوجه . چگونه جنبشی که بیش از و پیش از هر نیرویی برای حق رای همگانی و برابر حقوقی شهروندان پیکار کرده و برای جمهور مردم ، میلیونها قربانی داده میتواند نسبت به امر انتخابات در جوامع سرمایه داری غیر فعال باشد . ما اگر چه در تمام شرایط به اکثریت کار و زحمت خواهیم گفت که راهی و دمکراسی واقعی تحت نظام مبتنی بر نابرابری طبقاتی امکان ناپذیر است اما در عین حال از هر امکان و انتخاباتی برای طرح مطالبات اکثریت استنثار شونده و استفاده از امکانات انتخابی موجود برای افشای بورژوازی و ایجاد مانع بر سر پیشروی آن بهره خواهیم جست . بنابراین هر گاه احساس کنیم که با حق انتخاب کردن و انتخاب شدن خواهیم توانست قدم مثبتی به نفع اکثریت ستمکش جامعه برداریم و از بار مصائب شان کم کنیم ، حتماً در رقابتهای انتخاباتی شرکت خواهیم کرد و اردوی طبقاتی خود را به میدان خواهیم آورد .

اما کاربست این سیاست روشن در دمکراسیهای نیم بند لیبرالی ، چه ربطی دارد به بالماسکه انتخاباتی در ایران تحت حاکمیت فاشیسم مذهبی و مضحکه گزینش ریاست جمهوری در انتصابات پیش رو؟! در " انتخابات " ریاست جمهوری ای که نیمی از جمعیت - زنان - حق کاندیداتوری در آن ندارند ، غیر مسلمانان ، مسلمانان غیر ۱۲ امامی ، ۱۲ امامی های غیر ولایی و حتی بخش مهمی از حامیان قانون اساسی و نظام ولایت فقیه با کمی زاویه نمی توانند صلاحیت نظارت استصوابی شورای نگهبان منصوب رهبر را احراز کنند ، سخن گفتن از انتخابات دیگر جوک نیست توهین است به انسان و انسانیت !

نه بدین خاطر که به زعم طیف راست اپوزیسیون و دوستان نادان مردم گویا کاندید اصلاح جناح اعتدال و اصلاحات - رفسنجانی - از صافی شورای نگهبان عبور نکرده است ! نه این نکته تنها مزید بر علت است نه خود علت . تحریم نمایش انتخاباتی رژیم از دید ما و همه نیروهایی که در پی آزادی و منزلت انسانی هستند دلایل دیگری دارد . ریشه را باید در بی حقوقی مطلق اکثریت جامعه و حاکمیت یک رژیم توتالیتر مذهبی جستجو کرد که در آن نه تنها کمونیستها ، بلکه دمکراتها ، لیبرالها و کلا جریانات بورژوازی اصلاح طلب مذهبی و غیر مذهبی نیز حق مشارکت در آن را ندارند و تازه در صورت رای دادن به یکی از کاندیداها تایید صلاحیت شده شورای نگهبان نیز

بالماسکه انتخابات به پایان خود نزدیک می شود!



چون محسن رضایی که خود از اصلی‌ترین سرسپردگانش بوده و در همه جنایات و سرکوب‌ها صداقت ضد بشری خود را عملاً نشان داده است را بر نمی‌تابد.

اگر زمانی احمدی نژاد مذاکره با غرب را مطرح و خود را داوطلب این کار معرفی می‌کرد، در این هفته‌های رقابت انتخاباتی، هشت کاندیدای مورد نظر خامنه‌ای هر یک به شیوه خود از رفع اختلاف با غرب صحبت کرده‌اند. حتی اغلبشان خواستار رفع حصر از موسوی، همسرش و کربوبی شدند و آزادی دستگیر شدگان و قایع ۸۸ و آشتی ملی را مطرح کردند. اشاره به چنین مسائلی برای خامنه‌ای قابل تحمل نیست. او با سرسختی تمام بر سیاست فاجعه‌بار فرافکنی و گذاشتن تقصیر همه فجایع و بی‌کفایتی‌های خود و دستگاهش به گردن آمریکا و صهیونیسم، علی‌رغم اعترافات اخیرش به اینکه تحریم اثر گذاشته است، ادامه می‌دهد. برای توجیه این سیاست در سخنرانی‌های خود فقط از برخی سوء مدیریت‌ها صحبت می‌کند، سوء مدیریت‌هایی که دست پخت همان دولتی است که مدت هشت سال در قدرت نگهداشته است، دولتی که اعتراضات میلیونی سال ۸۸ را به خاک و خون کشید، صدها شهروند را کشت و هزاران آزادیخواه را دستگیر و شکنجه کرد، آزادیخواهانی که بدون توسل به کوچک‌ترین خشونت می‌خواستند اعتراض خود را نسبت به حق پایمال شده خویش، به طور قانونی نشان دهند.

خامنه‌ای پس از رد صلاحیت رفسنجانی و مشایبی، دو تهدید جدی در مقابل نامزد های مورد نظرش، روز چهارشنبه گذشته در حضور جمع نیروهای بسیج، سپاه و حزب الله رضایت خود را از پیشرفت سناریوی انتصابات نشان داد و گفت که قانون رعایت شده و «فصل الخطاب» انجام گرفته است، چون رفسنجانی گفته بود که اصل حفظ نظام است و مشایبی بدون هیچ و انکشی ستاد انتخاباتی خود را هم در اختیار سعید جلیلی قرار داده بود! اما خرده گیری‌های هشت رقیب انتخاباتی به دولت و اوضاع مملکت، خامنه‌ای را چنان پریشان کرد و به دست و پا انداخت که لازم دانست دخالت کند و بگوید که نامزدها:

«در انتقاد به عملکرد دولت‌های پیشین سیاه نمایی نکنند، انتقاد کنند لکن انتقاد به معنای سیاه نمایی نباشد، بمعنای انکار کارهای بسیار برجسته‌ای که چه در این دولت و چه در دولت‌های قبلی انجام گرفته است، و کسانی مثل خود آن‌ها آمدند سرکار و تلاش کردند... این‌ها را انکار نکنند، شب و روز این‌ها را انکار نکنند.» (۴)

و بعد برای اینکه بر توطئه خود از جمله وارد کردن سعید جلیلی در روز آخر به کارزار انتخاباتی سر پوش بگذارد، گفت: «من به هیچ کس نظر ندارم.» سخنرانی خامنه‌ای بنوعی خواهش و استدعا بیشتر شبیه بود تا اظهارات رهبری قدر قدرت. او برای تحمیق عمده و اکره گوش به فرمان خود به عبارتی چون «برادران محترم» دخیل بست و پس از ۳۴ سال خواب نما شد که بگوید:

«امروز مساله اصلی ما اقتصاد است. اگر اقتصاد درست شود، دشمن بی‌دفاع می‌ماند...» (۵)

کارزار انتخاباتی خامنه‌ای بیش از آنکه به امری معمول در جهان مانده باشد، بالماسکه‌ای بیش نیست، از ماسک سه لایه‌ای که از شعار همیشگی اوست: بخدا باوری، مردم باوری و خود باوری تا دیگر نقاب داران سر سپرده که نقاب‌های دستوری بیت رهبری و اطلاعات را بر چهره دارند. به دو نمونه از این گزین شدگان ولایی و برنامه‌های آن‌ها اشاره می‌کنیم تا مشخص شود که حلقه محاصره استبداد دینی تا کجا پیشروی کرده و چگونه تابعین خود را مسخ و از هویت انسانیشان تهی کرده است. محسن رضایی در ارائه برنامه خود پس از اشاره به تعطیلی شهر صنعتی قزوین و اشاره به اینکه «تعطیلی یک صنعت زلزله است» می‌گوید:

«کشور داری تنها سیاست، امنیت و دفاع نیست، بلکه باید به زندگی مردم توجه کنیم... نشان می‌دهم که جوانان ایران فرشته نجات هستند و یک خیزش و جنبش بزرگ درست می‌کنم و از این رو اگر رئیس جمهور شوم اعلام می‌کنم همه منابع را از من بگیری، هر چه ارز است از من بگیر و ولی جوانان را به من بدهید تا نشان دهم چگونه با جوانان کویرها را به بهشت تبدیل می‌کنم... مادر هر رشته‌ای متخصص خواهیم در جوانان وجود دارد... بنابر این می‌توانیم همه تحریم‌ها را خنثی و فقر و بیکاری را از بین ببریم و مانند خرمن شهر کشور را آزاد کنیم... مگر می‌شود با سرنوشت ملت بازی

پیش از ورود رفسنجانی و مشایبی به رقابت انتخاباتی، طرح مهندسی انتخابات از سوی خامنه‌ای و ارگانهای مطبوع او، تکلیف منتقدین و معترضین درون دایره محدود حاکمیت را مشخص کرده بود. روشن است که رژیم از وقایع سال ۸۸ درس‌های زیادی آموخته است و همه زمینه‌های احتمالی اعتراض را تا آنجا که بتواند، از میان می‌برد. دستگیری‌های اخیر جوانان حامی آیت‌الله حسن روحانی (۱)، دستگیری فعالان فرهنگی (۲)، بستن روزنامه‌های طرفدار اصلاحات و دولت (روزنامه ایران)، تهدید پنهان و آشکار حامیان رفسنجانی و فشار هرچه بیشتر به احمدی نژاد همگی ادامه برنامه ریزی اولیه است که تا پایان انتخابات ادامه خواهد داشت.

این نیز قابل پیش‌بینی بود که دایره ولایت و اصولگرایان که همه ارگان‌های حکومتی در اختیار آنهاست، برای کسب مشروعیت مهندسی شده نیاز به تبلیغ گسترده دارند. از این رو همه را به ثبت نام تشویق کردند، چون از روز نخست گرم کردن تنور انتخابات و به اصطلاح خامنه‌ای «خلق حماسه» انتخاباتی هدف اصلی بوده است و نه رعایت حق مردم در آزادی انتخاب شدن و انتخاب کردن. اما چگونه است که طبل انتخابات تو خالی از کار در می‌آید و کوه موش می‌زاید؟ چگونه است که از ۶۸۶ کاندیدا (طبق گفته وزیر کشور) فقط ۸ نفر می‌توانند از صافی‌های رنگارنگ بگذرند و شورای نگهبان فهرست مورد نظر رهبری و اصولگرایان را کاندیداهای احراز شده، اعلان می‌کند؟

مساله نه فقط بحران‌های ساختاری چند گانه‌ای است که جامعه را به مرز تلاشی کشانده بلکه این واقعیت که مردم از همه طبقات و اقشار پس از سی و چهار سال سرکوب حاضر نیستند دست از مبارزه برای خواست‌های خود بردارند و همچنان مصرانه از هر فرصتی استفاده می‌کنند تا شعار «مرگ بر دیکتاتورشان» را به گوش جهانیان برسانند، خواب راحت را از خامنه‌ای و نیروهای رنگارنگ سرکوبش بروده است. ناتوانی خامنه‌ای در حل مساله اتمی و حتی انتخاب فردی کارآ در راس دولت که بتواند مشکلی از بی‌شمار مشکلات جامعه را حل کند، بقدری عریان و رسوا کننده است که امروزه برای ذوب شدگان در ولایت هم کاملاً روشن شده و کابوس شورش و اعتراضات توده‌ای دیگر به بیت خامنه‌ای محدود نمی‌شود.

محسن رضایی در جریان تبلیغات انتخاباتی و در جمع مردم قزوین گفت: «بزرگانی که در سه دولت هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد بودند، افراد شایسته و دلسوزی بودند اما آن‌ها نتوانستند افراد محرم را در کشور برای اداره این مملکت بیاورند و افرادی که مسئولیت پیدا کردند محرمیت لازم را نداشتند و گر نه امروز ما این مشکلات را نداشتیم.» (۳) همین اظهار نگرانی از وضعیت کشور را قبلاً به اصطلاح «بزرگان» (خاتمی و رفسنجانی) مفصل‌تر ابراز داشته بودند، اما چون مورد اعتماد خامنه‌ای نیستند، تشویقی برای او بوجود نیاورد. ولی خامنه‌ای ایرادات اصول‌گرایان افراطی

= پیوندها =

سایت راه کارگر

www.rahekaregar.com

ایمیل سایت

site@rahekaregar.com

روابط عمومی

public@rahekaregar.com

رادیو - تلویزیون برابری

www.radiobarabari.com

ایمیل رادیو

info@radiobarabari.com

ایمیل تلویزیون برابری

info@barabar.tv

تلفن 49 - 511- 2617492

علیه ستم جنسیتی

www.asj-iran.com

راه کارگر خبری

www.rahekaregarnews.com

ایران بولتن (انگلیسی)

www.iran-bulletin.org

نشر بیدار (تنوریک)

www.nashrebidar.com

مجله آوای زن

www.tvs.se/womensvoice

رادیو همبستگی (سوند)

<http://radiohambastegi.net>

توجه : مواضع عمومی سازمان ما در بیانیه ها، مصوبات و اسناد با امضای نهادهای سازمان طرح میشوند. مقالات با امضای فردی و یا مطالب مطروحه در مصاحبه ها لزوما مواضع سازمان ما نیستند .

کرد... نمیتوانیم اجازه یک خطای دیگر را بدهیم مگر ایران محل آزمایش دولتمردان ناپخته است..» (۵)

آقای رضایی گذشته از کلی گویی راجع به اقتصاد، تازه خواب را شده که باید فرشته‌های نجات را در اختیارش قرار دهند تا کویرها را به اصطلاح خودش به بهشت ولی در واقع به مجمع الجزایر گولاک تبدیل کند، گفتی سالی هشتاد هزار جوان تحصیل کرده دانشگاهی با استعداد را او و دم و دستگاه امنیتی - سپاهی و دولتهایی رنگارنگ بی کفایتی که او خود یکی از حامیان آنها بوده از کشور فراری نداده‌اند. رضایی در عین حال اعتراف می‌کند که بر منابع ارزی کشور دست گذاشته و از اینکه رسماً اعلان می‌کند که در دزدی و غارت منابع ملی کشور دست داشته، هیچ ابایی ندارد.

برنامه تنها نامزد اصلاح طلب، آقای عارف، اصلاح طلبی که حتی در مناظره های تلویزیونی سعی می‌کرد از خطوطی که برایش تعیین شده بود پا را فراتر نگذارد، هم چیزی جز افشای یک هزارم خلاف کاری ها و ضایعات اقتصادی موجود نیست. او ضمن دفاع از طرح هدفمندی یارانه ها می گوید:

« بد اجرا کردن قانون هدفمندی باعث استقراض و تورم شد. به نظر من فاز اول ابتدا باید به صورت کامل اجرا شود، سهم بهداشت و درمان هنوز اجرا نشده، چرا مردم باید بالای ۷۰ درصد از جیبشان برای هزینه‌های درمان بدهند؟ برنامه ما این است که مردم را از محل منابع آزاد شده به ۳۰ درصد برسانیم... ما ظرفیت تولید ۳۰۰ میلیون تن محصول کشاورزی را داریم که الان زیر ۱۰۰ میلیون است... ۱۶۰ کشور تورم یک رقمی دارند. اما ما جزو معدود کشورهایی هستیم که تورم ما هنوز دو رقمی است... نکبت کم فروشی دامن اقتصاد را گرفته است به طور مثال به خاطر سیاست‌های غلط گاوهای شیرده به کشتارگاه ها رفتند. این دیدگاه حاصل شد که آنچه سفید است. و بعد به داخل شیرها آب وارد شد. » (۷)

مجموعه هشت نامزدی که شورای نگهبان برگزیده هیچ یک نماینده مردم نیستند و خواست ها و مطالبات آنها را پیش نخواهند برد. مهم نیست که در آخرین لحظه خامنه ای نام چه کسی را از صندوق رأی بیرون می‌کشد. هر کدام که رئیس جمهور شود قدرتی بیش از احمدی نژاد نخواهد داشت و مجبور است همان دستوراتی را اجرا کند که محور بیت - اطلاعات - سپاه و دیگر نیروهای سرکوبگر میدهند. صحبت خامنه ای در جمع زائران حرم خمینی در مراسم سالگرد او که : « رأی به هر نامزدی در انتخابات، رأی به جمهوری اسلامی است. رأی اعتماد به نظام و ساز و کار انتخابات است. » (۸) ماهیت این بالماسکه را بخوبی نشان میدهد و هشدار است به کسانی که فکر می‌کنند اگر شرکت و به کسی که در نظر دارند رأی دهند یا اصلاً رأی سفید بدهند تغییری در اصل قضیه خواهند داد. از هم اکنون خامنه ای این رأی ها را به نام خود ثبت کرده است! پس تصمیم درست تحریم فعال انتخابات است، تحریمی توأم با استفاده از هر فرصتی جهت افشای این بالماسکه و درعین حال طرح مطالبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی . افشای اینکه هر رأی پایه های استبداد ولایی - فاشیستی را تقویت می‌کند و رایی است بر علیه منافع خود و آینده جامعه مصیبت زده و در حال تلاشی.

تحریریه سایت راه کارگر

۱۵ خرداد ۹۲

زیرنویس ها :

- ۱ - سایت کلمه، دوم ژوئن (سعید بداشتی، مجتبی هاشمی، مجد پارس، شیرین میر کریمی، محسن رحمانی)
- ۲ - سایت ملی مذهبی ۱۴ خرداد. (رضا آقا خانی، نصرالله لشنی، علی رضا اکبر زاده ، حسین بجیرانی در تهران)
- ۳ - خبرگزاری آریا ۱۴ خرداد.
- ۴ - خبرگزاری آریا ۱۴ خرداد.
- ۵ - همان سایت ۱۴ خرداد.
- ۶ - همانجا ۱۵ خرداد.
- ۷ - اول ماه مه، شبکه رادیو ایران.
- ۸ - ایلنا، ۱۴ خرداد

نمایشی در یازده پرده !

نگاهی آماری به سه دهه " انتخابات " ریاست جمهوری در ایران

آرش کمانگر

دوره اول

حداقل فوق الذکر رعایت نمی‌شوند، و مهم‌تر از آن سرکوب می‌گردند. این تنها وجه مشخصه انتصابات قریب‌الوقوع نیست، بلکه سناریویی تکراری است که تقریباً در طول حاکمیت رژیم اسلامی تکرار شده است. برای اثبات این مدعا با هم نگاهی می‌اندازیم به آمار ده دوره انتخابات ضد دموکراتیک ریاست جمهوری در دوران پس از انقلاب 1357 یعنی دوره‌ای که ظاهراً نظام 2500 ساله سلطنتی و موروثی به نظام " انتخابی و جمهوری " تبدیل شده است!!

مقدمه ای بر نمایش یازدهم

بزودی جمهوری اسلام‌ایران یازدهمین " انتخابات " خویش را برای گزینش " رییس قوه مجریه " برگزار می‌کند. در جریان نام‌نویسی داوطلبین شرکت در این پالماسکه ضددمکراتیک، بیش از 600 نفر با مراجعه به وزارت کشور و پر کردن فرم مخصوص، آمادگی خود را برای کاندیداتوری اعلام داشتند که از میان آنها تنها صلاحیت 8 نفر یعنی جلیلی، غرضی، روحانی، حداد عادل، ولایتی، عارف، قالیباف و رضایی تانید شد. نکته قابل توجه در این رد صلاحیت‌ها، حذف رفسنجانی (رییس جمهور سابق نظام و رئیس فعلی مجمع تشخیص مصلحت و نیز مشایخی (دست راست رییس جمهور فعلی - احمدی نژاد -) بود.

طبق قواعد رژیم، شورای نگهبان مسنول رسیدگی به صلاحیت نامزدها و اعلام لیست نهایی کاندیدهاست. بر طبق همین قواعد نوشته و نانوشته، رییس جمهور حکومت اسلامی باید مرد، شیعه دوازده امامی، جزء رجال معروف سیاسی و دینی، معتقد به قانون اساسی، حکومت دینی و اصل محوری آن یعنی ولایت مطلقه فقیه و بنابراین ملزم به تبعیت از ولی فقیه زمان یعنی سیدعلی خامنه‌ای باشد. شورای نگهبان علاوه بر این قیود و شروط می‌تواند بر طبق تبصره الحاقی " نظارت استصوابی " هر زمان و هر کجا که صلاح رژیم و صواب آخرت بدانند، حتی واجدین شروط فوق‌الذکر را نیز حذف کند. بر این مبنا بود که شورای نگهبان با بررسی صلاحیت نامزدها، صدها نامزد را از دم تیغ گذراند و تنها هشت ذوب شده در " زلال " ولی فقیه را تانید کرد. این نمایش مضحک و تهوع‌آور را جمهوری اسلامی " انتخابات " نام گذاشته است.

حال آنکه الفبای حقوق بشر و حتی دموکراسی‌های لیبرالی رایج در کشورهای غربی به ما می‌گوید که برای برگزاری يك "انتخابات آزاد " حداقل شروط زیر باید رعایت شده باشند:

- 1 - حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای همه شهروندان بالغ
- 2 - آزادی اندیشه، بیان و تجمع
- 3 - آزادی فعالیت همه گرایش‌ها و تشکله‌ها، از جمله حق بی‌حصر و استثنای آنها برای معرفی کاندیدا و تبلیغات مثبت و یا منفی در ارتباط با کاندیداهای دیگر
- 4 - برابری کامل زن و مرد برای رای دادن و انتخاب شدن
- 5 - حق کاندیداتوری همه افراد (اعم از موافقین و مخالفین رژیم وقت) حتی اگر خواهان تغییر بنیادی سیستم باشند.

در ایران اما به غیر از " حق رای همگانی و مخفی " یعنی حق کامل مردم برای تبدیل شدن به سیاهی لشکر جهت رونق بخشیدن به "رای‌گیری" و مشروعیت رژیم، هیچ يك از شروط

اولین " انتخابات " ریاست جمهوری اسلامی در 5 بهمن 58 برگزار شد که در آن 124 نفر داوطلب شدند. در آن زمان شورای نگهبان هنوز شکل نگرفته بود، اما طبق مصوبه " شورای انقلاب اسلامی " که متشکل از آخوندها و لیبرال‌های مذهبی بود، وزارت کشور وظیفه داشت که فهرست داوطلبین را نزد خمینی برده و او پس از تایید کاندیدها فرمان رقابت را صادر کند. از جمله " غیرخودی‌هایی " که در آن دوره داوطلب شده بودند می‌توان از مسعود رجوی (از سازمان مجاهدین خلق) و ایرج کشکولی (از حزب رنجبران) نام ببریم.

اما این غیرخودی‌ها به دلیل تهدید خمینی و دیگر مقامات رژیم ناگزیر از کناره‌گیری شدند. از جمله کسان دیگری که کناره‌گیری کرد جلال‌الدین فارسی (کاندیدای اول حزب جمهوری اسلامی) بود که به دلیل تابعیت افغانی از حق کاندیداتوری محروم شد. این حزب بعد از این ناکامی " آیت " را مورد حمایت قرار داد. ایرج کشکولی در کتاب خاطرات خود که توسط حمید شوکت منتشر شده چگونگی منصرف شدنش و نحوه برخورد موسوی خوینی‌ها در ستاد انتخاباتی وزارت کشور را توضیح می‌دهد. به هر رو از حدود 21 میلیون واجد شرایط برای رای دادن 14 میلیون نفر یعنی 67 درصد شرکت نمودند که ابوالحسن بنی‌صدر (از جناح پورژوا - لیبرال مذهبی) با حدود 11 میلیون رای انتخاب شد. حسن حبیبی، صادق خلخالی، کاظم سامی، صادق قطب‌زاده، محمد صادق طباطبایی، و داریوش فروهر از دیگر کاندیداهای این انتخابات بودند که آرای چندانی به دست نیاوردند. در این رای‌گیری شرط سنی شرکت‌کنندگان شانزده سال و شرط سنی نامزدها سی سال بود.

دوره دوم

بعد از عزل ابولحسن بنی‌صدر توسط مجلس شورای اسلامی و به فرمان خمینی و نیز آغاز کشتارهای فاشیستی پس از خرداد 1360 و حاکمیت اختناق مطلق، دومین " انتخابات " ریاست جمهوری در دوم مرداد 1360 برگزار شد. بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی در تاریخ 13 تیر ماه 1360 بررسی صلاحیت نامزدها به عهده شورای نگهبان قرار گرفت. در این " انتخابات " 71 نفر داوطلب شده بودند که فقط صلاحیت 4 نفر تانید شد. از جمله کسانی که هوس نامزد شدن کرده بود، يك جریان " چپ " مدافع رژیم به نام حزب تروتسکیستی بابک زهرایی " حزب کارگران سوسیالیست " بود که صلاحیتش رد شد و مدتی در زندان‌های جمهوری اسلامی بسر برد. در این سال 22/5 میلیون نفر واجد شرایط رای دادن بودند که به گفته رژیم 64 درصد آنها در انتخابات شرکت کردند که البته بیش از 3 درصد آنها، آرای باطله بودند. رجایی، شبیبانی، عسکراولادی

و پرورش، چهار کاندید این خیمه شب بازی بودند که محمدعلی رجایی با 87 درصد آرا رییس جمهور شد.

دوره سوم

رجایی اما پس از پنج هفته در جریان انفجار دفتر نخست‌وزیری به همراه باهنر و تنی چند از مقامات رژیم در هشتم شهریور 1360 کشته شد، لذا رژیم ناگزیر از برپایی "انتخابات" مجدد در تاریخ ده مهر ماه 1360 شد. در این انتخابات حدود 23 میلیون نفر واجد شرایط رای دادن بودند که به گفته رژیم از میان آنها 74 درصد شرکت کردند. در این دوره 46 نفر نامزد شدند که شورای نگهبان تنها صلاحیت 4 نفر را تایید کرد که عبارت بودند از اکبر پرورش (نماینده مجلس)، علی خامنه‌ای (معاون وزیر دفاع و امام جمعه تهران)، رضا زواره‌ای (معاون وزیر کشور) و حسن غفوری‌فرد، نکته جالب توجه این که آیت‌الله مهدوی کنی (محافظة کار معروف و دبیر جامعه روحانیت مبارز تهران که اکنون رئیس مجلس خبرگان است) نیز جزو نامزدها بود که صلاحیت او توسط شورای نگهبان رد شد!! در سومین دوره ریاست جمهوری اسلامی، خامنه‌ای با 95 درصد آرای مآخوذه انتخاب شد.

دوره چهارم

این "انتخابات" در 25 مرداد 1364 برگزار شد که در آن 50 نفر اعلام نامزدی نمودند ولی شورای نگهبان صلاحیت 3 نفر را تصویب کرد که عبارت بودند از خامنه‌ای، عسگر اولادی و مصطفوی کاشانی، که در آن از کل 26 میلیون واجد شرایط حدود 54 درصد شرکت کردند و خامنه‌ای مجدداً با کسب 12 میلیون رای انتخاب شد که می‌شود 85 درصد آرای مآخوذه. کاشانی با حدود 10 درصد و عسگر اولادی با حدود 2 درصد به ترتیب دوم و سوم شدند. بنابراین با در نظر گرفتن آرای باطله می‌توان گفت که برای نخستین بار (حتا طبق داده‌های آماري رژیم) نیمی از مردم در انتخابات شرکت نکرده و به کاندیداهای رژیم "نه" گفتند.

دوره پنجم

پنجمین دوره "انتخابات" ریاست جمهوری اسلامی به دلیل مرگ خمینی در خرداد ماه 1368 و سپس انتخاب ضربتی خامنه‌ای به عنوان رهبر و ولی قفیه جدید نظام (توسط مجلس خبرگان) که رفسنجانی رییس وقت مجلس شورای اسلامی و نایب رئیس مجلس خبرگان سهم بسزایی در آن داشت، در تاریخ ششم مرداد ماه 1368 برگزار شد. حدود 31 میلیون از جمعیت کشور واجد شرایط رای دادن بودند که از میان آنها حدود 16 میلیون یا 56 درصد شرکت کردند که به گفته رژیم حدود 2 درصد نیز رای سفید یا باطله بودند. یعنی باز هم تقریباً نیمی از مردم به رژیم نه گفتند و البته می‌دانیم که بسیاری از آنها هم که ناگزیر از شرکت در "انتخابات" شدند به خاطر مسایلی چون امنیت شغلی، ترس سیاسی، کوپن و اهمیت مهربار بودن شناسنامه‌ها بوده است. در واقع در بخش اعظم سالهای حاکمیت رژیم اسلامی میلیون‌ها نفر از رای‌دهندگان، نه به خاطر توهم به رژیم بلکه به دلیل ملاحظیات شغلی، اقتصادی و امنیتی مجبور به حضور در پای جعبه‌های "مارگیری" رژیم بوده‌اند. منتهی اکنون به مراتب از میزان محافظه‌کاری مذکور کاسته شده است.

به هر رو در "انتخابات" مرداد 1368 از میان 79 نامزد، شورای نگهبان تنها صلاحیت 2 نفر را تایید کرد که عبارت بودند از هاشمی رفسنجانی و عباس شیبانی، که رفسنجانی با 94 درصد آرای داده شده انتخاب شد.

دوره ششم

انتخابات فرمایشی بعدی در تاریخ 21 خرداد ماه 1372 برگزار گردید که از میان 33 میلیون واجد شرایط کمتر از 17 میلیون نفر شرکت کردند یعنی 50 درصد که با در نظر داشت آرای باطله می‌توان گفت که حتا بر مبنای آمار دستکاری شده رژیم، مخالفین حاکمیت ولایت فقیه بر موافقان آن برتری یافتند و این در اوج اختناق نیمه اول دهه هفتاد یعنی در سال‌های بیداد عملیات تروریستی رژیم در داخل و خارج، به راستی يك شاهکار بود. در این انتخابات مضحك، شورای نگهبان از میان 128 نامزد 4 نفر را تایید صلاحیت نمود که عبارت بودند از: هاشمی رفسنجانی، احمد توکلی (وزیر کار سابق و دبیر بخش اقتصادی روزنامه رسالت در آلمان)، جاسبی (رییس دانشگاه آزاد) و رجبعلی طاهری (مجری طرح‌های سازمان صنایع دفاع). از میان این چهار نفر رفسنجانی مجدداً با کسب 62 درصد آرا کمی بیش از 10 میلیون رای انتخاب شد. نکته جالب توجه در این نمایش انتخاباتی کسب بیش از 4 میلیون رای (حدود 24 درصد) توسط فرد محافظه‌کاری چون احمد توکلی بود که نشانگر نوعی ابراز تنفر از "سردار ویرانگری" (اکبر شاه میلیاردی) بود.

دوره هفتم

"انتخابات" هفتمین دوره ریاست جمهوری در دوم خرداد ماه 1376 برگزار شد که در آن حدود 35 میلیون نفر از جمعیت پانزده‌سال به بالای کشور واجد شرایط رای دادن بودند که از این تعداد کمی بیش از 29 میلیون نفر شرکت جستند که معادل 83 درصد بود. در این "انتخابات" از مجموع 238 نفر داوطلب، شورای نگهبان تنها صلاحیت 4 نفر را تایید نمود که عبارت بودند از: محمد خاتمی، ناطق نوری، ری‌شهری و زواره‌ای.

خاتمی توانست با کسب حدود 70 درصد آرای به صندوق ریخته شده، زمام پست ریاست جمهوری رژیم را به عهده گیرد این در حالی بود که همه قرائن نشان میداد که ناطق نوری کاندید اصلح نظام و فرد مورد نظر خامنه‌ای است.

دوره هشتم

خاتمی در هشتمین "انتخابات" ریاست جمهوری رژیم ولایت فقیه در 18 خرداد 80 مجدداً انتخاب گردید. در آن "انتخابات" بیش از 800 نفر نامزد شده بودند که شورای نگهبان در بررسی اول، صلاحیت 46 نفر از آنها و در بررسی دوم صلاحیت 30 نفر از آنها و در بررسی نهایی صلاحیت 10 نفر از آنها را تصویب کرد که شامل خود خاتمی و 9 کاندید گروه‌بندیهای محافظه‌کار بود. در هشتمین دوره انتصابات ریاست جمهوری اسلامی، حدود 67 درصد واجدین شرایط، شرکت نمودند که از میان آنها حدود هفتاد درصد به خاتمی رای دادند.

دوره نهم

در جریان این غلیان انقلابی که دامنه آن بیش از بیست شهرايران را فرا گرفته بود ، دهها تن از جوانان و مردم معترض با تیراندازی مزدوران رژیم و یا تحت شکنجه های ضدبشری بقتل رسیدند ، هزاران تن در درگیریهای خیابانی مجروح و مصدوم گشتند و بیش از سه هزار تن نیز دستگیر شدند .

از بررسی نمایشات انتخاباتی ریاست جمهوری ، این حقیقت را میتوان استنتاج نمود که در آپارات رژیم اسلامی سرمایه داری ایران ، قدرت واقعی نه در دست نهادهای به اصطلاح انتخابی بلکه در دست نهادهای انتصابی چون شورای نگهبان ، مجمع تشخیص مصلحت نظام ، قوه قضاییه و قوای نظامی - امنیتی متعدد است که همگی تحت هدایت مستقیم رهبر با اختیارات خدایی اش قرار دارند .

اکنون بخش بزرگی از مردم ایران نیز پی به این واقعیت مسلم برده اند . از اینرو شرکت در نمایش خیمه شب بازی بالاینها را چیزی جز مدرسانی به دوام و بقای رژیم استبدادی و قرون وسطایی حاکم و ایجاد مشروعیت بین المللی برای آن نمی دانند . از این رو تشویق مردم به شرکت در انتصابات خرداد 92 ، سیاستی کاملاً فاجعه بار و در راستای تقویت رژیم و سنگ اندازی در برابر شکل گیری اراده مستقل کارگران و زحمتکشان ایران برای دستیابی به آزادی و برابری ارزیابی میشود .

تحریم فعال این بالماسکه و برپایی اعتراضات توده ای حول مطالبات کارگران ، زحمتکشان ، زنان ، جوانان ، ملیتهای تحت ستم و ... ، پاسخ ما چپها و آزادیخواهان واقعی به این نمایش مضحک است !

خرداد 1392 - ژوئن 2013



نهمین دوره "انتخابات" ریاست جمهوری اسلامی در خرداد 1384 برگزار شد . شورای نگهبان با رد صلاحیت بیش از هزار نفر از نامزدین ، تنها همچون دوره های پیشین به چهره های شاخص جناحهای درونی رژیم نظیر : رفسنجانی ، قالیباف ، احمدی نژاد ، کروبی و معین اجازه رقابت داد . (البته معین کاندید اصلاح طلبان دو خردادی ابتدا توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شد اما بعداً با حکم حکومتی خامنه ای مجدداً به کورس رقابت برگشت) .

در جریان آن رای گیری برای اولین بار در تاریخ برگزاری "انتخابات" ریاست جمهوری در ایران ، هیچیک از کاندیداها نتوانستند در دور اول ، اکثریت مطلق آرا را کسب کنند . در دور اول بنا بر آمار رژیم که حتی پاره ای از افراد وابسته به رژیم (نظیر کروبی) بر تقلبی بودن آن تاکید داشتند 62 درصد از واجدین شرایط شرکت کردند . در دور دوم نیز به گفته رژیم 57 درصد جمعیت رای دهنده شرکت کردند که طی آن سرانجام احمدی نژاد از صندوق آرا به عنوان کاندید تازه به دوران رسیده اصولگرایان ، بیرون آمد .

دوره دهم

دهمین دوره " انتخابات" ریاست جمهوری اسلامی در تاریخ 22 خرداد 1388 برگزار شد . شورای نگهبان تنها صلاحیت چهار نفر را برای شرکت در رقابتهای انتخاباتی تانید کرد که عبارت بودند از : محمود احمدی نژاد ، مهدی کروبی ، میر حسین موسوی و محسن رضایی .

رژیم اعلام کرد که دارندگان حق رای کمی بیش از 46 میلیون نفر است ، اما برخی منابع آماری دیگر ، رقم واقعی را حدود 48 میلیون نفر ارزیابی میکردند . بعد از برگزاری این "انتخابات" ، رژیم در یک تقلب آشکار - که حتی در دوران خود جمهوری اسلامی سابقه نداشته است - اعلام کرد که 42 میلیون از واجدین شرایط یعنی 85 درصد مردم در " انتخابات" شرکت کرده اند که از میان آنها 63 درصد به احمدی نژاد و حدود 35 درصد به موسوی رای داده اند!! رضایی با بیش از یک میلیون و کروبی با کمتر از نیم میلیون - به گفته رژیم - در رده های بعدی قرار گرفتند . بدین ترتیب در یک کودتای انتخاباتی آشکار ، احمدی نژاد دومین دوره ریاست جمهوری خود را آغاز کرد . در حالی که بر مبنای برخی گزارشات از درون وزارت کشور ، مجموع آرای احمدی نژاد کمتر از 8 میلیون بوده و موسوی با حدود 20 میلیون رای ، پیروز این انتخابات بوده و حتی برخی مقامات وزارت کشور این مسئله را تلفنی به موسوی اطلاع داده بودند ، " غافل " از اینکه دارو دسته ولی فقیه به همراه وزیر کشور و فرماندهی سپاه و بسیج ، سناریوی دیگری طراحی کرده بودند . این مسئله سبب اعتراض گسترده کاندیداها جناح اصلاح طلب رژیم و توده های حامی آنها و سپس مردم معترض بویژه جوانانی شد که با بهره گیری از بحران سیاسی ناشی از کودتای انتخاباتی ، به مدت چند ماه موجی از اعتراضات توده ای به راه انداختند که در روزهایی بیش از سه میلیون نفر (در تهران) در آن شرکت داشتند . چنین اعتراضات گسترده ای بعد از 30 خرداد 60 در ایران سابقه نداشته است . حتی جنبش شش روزه 18 تیر ماه 78 هم قابل قیاس با جنبشی که از فردای 22 خرداد 88 رخ داد نبود .

رسوایی های بزرگ نمایش انتخاباتی!

تقی روزبه

در مضحکه انتخاباتی اخیر، دامنه رسوایی ها چنان بود که باین زودی ها از یاد نخواهد رفت. البته براساس ضرب المثل معروفی که از کوزه همان تراود که در اوست، عمق و دامنه این رسوایی ها در تناسب با درجه سترونی و گندیدگی است که رژیم فرتوت حکومت اسلامی دچار آن شده است. تنها نگاهی گذرا به چند رخداد طنزآمیز به خوبی ابعاد این رسوایی ها را برملا می سازد:

1- خودخوارگی در اوجی تازه: عدم احراز صلاحیت رفسنجانی برای ریاست جمهوری و زانو زدن شتر حذف در خانه یکی از مهم ترین کارگردانان و معماران نظام اسلامی در طی سه دهه گذشته، قبل از هر چیز بیانگر ابعاد پیشروی بیماری یعنی خوره خودخوارگی، در کالبد نظام پیرو فرتوتی است که در آن میل به تمرکز مطلق قدرت، جانی برای هیچ سلیقه و گرایش مغایر یا متمایز با کانون اصلی قدرت در ساختار کنونی را باقی نگذاشته است. به نمایش درآمدن این حد از خودخوارگی در برابر انظار جهانیان، به معنی کنار رفتن ماسک از سیمای واقعی حکومت اسلامی است که هیچ شگرد تبلیغاتی قادر نیست آن را به پوشاند. سخنان علی مطهری منتقدی برخاسته از طیف اصول گرایان، مبنی بر این که در این شرایط اگر خود خمینی هم بود حذف می شد، محتوای طنز این رخداد را بیش از پیش نمایان ساخته و موضع گیری بازماندگان بیت خمینی و بویژه نامه دختر خمینی به خامنه ای مبنی بر هم ترازوی صلاحیت رفسنجانی با خامنه ای در نزد پدر و بنیان گذار نظام، طنز نهفته در این نمایش و درجه رشد خوره خودخوارگی را به حداکثر اوج خود رسانده است.

2- صراحت دادن به معنای پنهان نگهداشته شده «رجال» یعنی اصالت مردانگی در کنش گری سیاسی (همان انگاره معیوبی که ناقص العقل بودن را به وردکلام این حضرات تبدیل کرده است)، و محرومیت و ممنوعیت رسمی نیمی از جمعیت ایران در انتخاب شدن، یکی دیگر از رسوایی های بزرگی بود که مهر آن به صورت برجسته ای بر پیشانی رژیم کوبیده شد و معلوم شدن زنان در این نظام تنها در زمره اشیاء و سیاهی لشکری به شمار می روند که البته برای پر کردن صندوق های رأی مفیدند. به نمایش درآمدن آپار تاید مبنی بر جنس، در کنار سایر آپار تاید هانی هم چون محرومیت رسمی اقلیت های مذهبی و قومی-ملی از کاندید شدن، بار دیگر نشان داد که گستره تبعیض و بی حقوقی، و قرون وسطانی بودن حکومت تاچه اندازه ژرف و بی پایان است و تاچه میزان نمایش انتخابات در این سیستم مسخره و پوشالی است.

3- مهندسی انتخابات و سانسور در سانسور! رژیم که هم چون مارگزیده هراسان از هر ریسمان سفید و سیاه است، تمامی استعداد خود را برای بیرون کشیدن چاشنی مناظره های تلویزیونی بکار گرفت. از همین رو برای بهداشتی کردن کامل آن، نه فقط تصمیم گرفت که بدون ضبط قبلی و دادن و تفهیم چهارچوب باید و نبایدها به کاندیداها هیچ مناظره ای صورت نگیرد، اما به آن هم بسنده نکرده و برنامه های ضبط شده و اوکی شده آن ها را هم مجدداً به زیر تیغ سانسور مضاعف سپرد. کاری که حتی سرو صدای کاندیداها را نظر کرده خود را نیز در آورد. تبدیل مناظره به سؤالات و پاسخ های تستی برای آن که کاندیداها هیچ فرصتی و لوناخواسته برای به تصویر کشیدن خارج از حد مجاز و خامت اوضاع نداشته باشند، بخشی از مهندسی مناظره را تشکیل می داد که صدا و سیما مدعی است با رایزنی بیست کارشناس و هزاران ساعت کار به عمل آورده است!.

4- اعتراف کاندیداها و چون قالیباف بر ترک موتور نشستن و چماقداری در سر کوب جنبش دانشجویی و نازیدن به نقش خود در گرفتن حق تیراندازی به سوی دانشجویان، نشان داد که برای افزایش شانس گزینش، دم چه کسانی را باید دید و تا چه اندازه بیرون ریختن مکنونات منحنی درونی و ابراز خوش خدمتی، شرط پیشروی و موفقیت محسوب می شود.

5- تشکر از سلاخی خود!

این که بیش از چند دوجین کاندیداها جان نثار، گله ای آمدند و ثبت نام کردند و گله ای هم در پی یک فراخوان درونی کنار کشیدند، به نوبه خود بخش جذابی از نمایشنامه مهندسی شده انتخابات بود. شماری منتظر اعلام سلاخی شورای نگهبان ناماندند و برای حفظ آبروی شان به موقع کناره گرفتند، و برخی دیگر تا اعلام عدم احراز صلاحیت خود ماندند، حتی از شورای نگهبان بخاطر سلاخی و حذف خود تشکر هم کردند و با این عمل خود نشان دادند که ما با چه قماش از کاندیداها خانه زاد بارگاه رهبری مواجه هستیم. در این میان اعلام موضع رفسنجانی که اعتراضی به رد صلاحیت خود ندارد و مسأله مهم کنونی را حفظ نظام می داند، نشان داد که بازیگران صحنه تاچه اندازه سرسپرده قاعده بازی مقرر شده توسط باندهای حاکم و مهندسین آراء در بیت ولی فقیه هستند و تاچه حد از جنبش اعتراضی سال 88 درس آموخته اند. تشکر خامنه ای از تمکین به قانون توسط کاندیداها، دست مرزادی بود که او به این دست آموزان و درس آموخته گان مکتب ولایت فقیه هدیه داد.

1392-03-13 03-06-2013

ادامه مقاله بهروز سورن

پخش برنامه هفتگی تلویزیون برابری از شبکه جهانی اندیشه



حاکمان اما بخوبی زمینه قوی تحریم انتخابات کذابی شان را دریافته اند. بخش بزرگی از طیف سبز نه در صف رای دهندگان که نظاره گر آن هستند. بخش بزرگی از هواداران کاندید های حذف شده انگیزه ها و علایق خود را برای حضور در پای صندوق ها از دست داده اند. طیف وسیع سرکوب شدگان چه در زندانها و چه خارج از آن با آگاهی هر چه تمامتر از شرکت در این نمایش دغلكارانه سرباز خواهند زد. تعداد بسیاری از آنها نیز یا مورد رعب و وحشت و تهدید و یا بازداشت و انتقال به زندانها قرار گرفته اند.

کارگران متشکل در اتحادیه ها و سندیکاها را بنا به خصلت و موقعیت تولیدی و زندگی شان بندرت میتواند این انتخابات کذابی آنها را بفریبد. به یک دلیل ساده که در هیچ موقعیت پسا انتخاباتی تا کنون از مزایا و امکانات رفاهی و امنیتی بهتری برخوردار نشده اند و درد ها و آلامشان همچنان پابرجاست و دار و ندارشان طعمه بیداد سرمایه داری و تورم و گرانی و فلاکت است. نتایج اینگونه شعبده بازی های حاکمیت تنها در پروارکردن آقازاده ها، پهن تر شدن نهادهای سرکوب سپاه و بسیج و طیف دهن گشادها! منجر شده است و پسا انتخابات شاهد غارت و تاراج افزونتر اموال مردمی و ملی بوده ایم. استبداد حاکم همواره و برای تغییر نتایج صندوق رای گیری ها تدارکاتی ضد انسانی و ضد دمکراتیک برنامه ریزی کرده است. ایندوره نیز مستثنی نیست. بازداشت های پیش انتخاباتی در جریان است. خبر رسید که در مراسم تبلیغاتی روحانی در استادبوم شیرودی تعدادی دستگیر شده اند. یکی از این افراد اکبر امینی است که مدتی پیش در دفاع از جنبش سبز و در جریان اعتراضات خیابانی بالای چرخیل رفت و به سیاست سرکوب ها اعتراض کرد و سپس بازداشت شده بود.

از جمله عادات وقیحانه استبداد حاکم تا کنون این بوده است که صندوق های از پیش پر شده و مخفی را در زمان شمارش از آسمان! و دیار غیب! نازل میکرد و نتیجه انتخابات کذابی را بسود نیات ناپاک خود تغییر میداد. این نکته در هر دوره پیش از این از سوی منتقدان افشا شده است و بنظر می آید این ترفند اینبار نتواند بطور کامل در برابر تجربه و هشیاری ناظران موفقیتی داشته باشد. اما اینبار صندوقهای انتخاباتی بدنبال ارقام نجومی آراء برای حفظ بیضه اسلام نیستند و معضل اصلی تر آنها این است که با موج تحریم کنندگان و نه گویان روبرو هستند.

تلاش جدید رژیم این است که در تعداد واقعی واجدان شرکت در انتخابات کذابی، دست ببرد. بر طبق گزارشات منتشر شده آمار ارائه شده از سوی وزارت کشور درباره واجدین شرایط شرکت در انتخابات پنجاه میلیون می باشد حال آنکه براساس آمار سرشماری سال ۹۰، ۵۵ میلیون نفر بالای شانزده سال بودند. 5 میلیون گم شده بالای شانزده سال را جستجو نمایند!!

در مورد ایرانیان مقیم کشور نیز هنوز و بلحاظ آماری اعلام نشده است. همانطور که می بینید. هراس از تحریم گسترده مسنولین نظام را به این ترفند ابلهانه ناگزیر کرده است. میزان درصد شرکت کنندگاندر انتخابات ساخته و پرداخته شده حکومتیان میتواند نمایشی از حضور توده هایی باشد که به انتصابات در راه، نه گفته اند و این نکته ای است که در آینده میتواند اثرات بسیاری در روند شکل و اوج گیری اعتراضات مردمی نقش بازی کند. بویژه اینکه بلحاظ بین المللی بسیا ری از جهت گیری های سیاسی اقتصادی را میتواند تغییر دهد.

تحریم فعال انتصابات رژیم تا آخرین لحظه!

یکشنبه 19 خرداد 1392

هر یکشنبه از ساعت هفت و نیم بعد از ظهر به وقت ایران ، پنج بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی و هشت صبح به وقت لس آنجلس .

تکرار برنامه : روز دوشنبه ساعت یازده و نیم صبح بوقت ایران ، نه صبح بوقت اروپای مرکزی و 12 شب (یکشنبه) بوقت لس آنجلس .

اگر به تلویزیون ماهواره ای دسترسی ندارید ،
میتوانید از طرق زیر نیز برنامه های تلویزیون
برابری را مشاهده کنید:

1- بطور زنده در ساعات ذکر شده ، در سایت تلویزیون
اندیشه

www.andishehnews.com

2- به صورت آرشیو ، در سایتهای رادیو - تلویزیون
برابری و نیز سایت راه کارگر :

www.radiobarabari.com

<http://barabari.tv>

www.rahekaregar.com

توجه : بینندگان عزیز تلویزیون برابری دقت کنند که سالی دو بار - در پانیز و بهار - بطور ناهمزمان در ایران ، اروپا و امریکای شمالی ساعات تغییر می کنند که البته هر بار پس از چند هفته ، ساعات این سه منطقه یکسان می شوند .

نامه مشترک سه تشکل کارگری

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش

به سازمان جهانی کار

ریاست محترم سازمان ILO

کوچک زیر 10 نفر دستمزد پایینی به کارگران زن پرداخت می شود که بعضا به نصف حداقل مزد مصوب شورای عالی کار هم نمیرسد. (ایلنا 1392/2/9) زنان نه تنها حقوق کمتری نسبت به مردان دریافت می کنند بلکه در بسیاری از مواقع مورد تعرض جنسی نیز قرار می گیرند که به دلیل روابط اجتماعی تحمیل شده به زنان آنان از ترس آبرو از شکایت صرف نظر کرده و هیچ آمار رسمی در این مورد موجود نیست. زنان اولین دسته ای هستند که از کار اخراج می شوند. رییس اتحادیه زنان کارگر آذربایجان شرقی می گوید: «زنان اولین قربانیان تعدیل ریز بازار کار هستند» (ایلنا 1392/2/10)

5- افزایش حوادث شغلی یکی دیگر از مواردی است که زندگی و جان کارگران ایرانی را به مخاطره انداخته است. به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان پزشکی قانونی ایران آمار تلفات حوادث ناشی از کار در سال 1391 1795 نفر بوده که از این تعداد 25 نفر زنان را شامل می شده است و نسبت به سال 1390، 19 درصد افزایش داشته است. (به نقل از ایلنا)

6- در حال حاضر فعالان سندیکایی برای فعالیت های صنفی خود در زندان بسر می برند. آقایان رضا شهبانی مسوول مالی سندیکای کارگران شرکت واحد توپوسرانی تهران، محجراحی و شاهرخ زمانی از هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران، پدرام نصرالهی، خالد حسینی، غالب حسینی، بهزاد فرج الهی، رضا قادری، علی آزادی، حامد محمود نژاد، رسول بداعی، عبدالرضا قنبری هم اکنون در زندان هستند. آقایان ناصر محرم زاده با 14 سال سابقه کار، حسن سعیدی با 13 سال سابقه کار، وحید فریدونی با 9 سال سابقه کار از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد توپوسرانی تهران در سال گذشته و بهنام خدادادی و نجیم مجیدزاده از انجمن کارگری برق و ساختمان اصفهان شاغل در پارس جنوبی در فروردین امسال به علت فعالیت های صنفی از کار اخراج شده اند. که این نقض مقوله نامه های 98 و 97 آن سازمان محترم است

در حال حاضر جمعی به نمایندگی از کارگران ایرانی در هیات اعزامی به آن نهاد محترم قرار دارند که به هیچ وجه مورد تایید سندیکاهای کارگری ایران نیستند. نهادهایی که این افراد را به عنوان نمایندگان خود به آن اجلاس فرستاده اند نهادهایی هستند که اساسنامه و برنامه اشان توسط وزارت کار ایران برایشان نوشته شده است و حتا نمایندگان به اصطلاح کارگری می باید از فیلتر وزارت کار بگذرند تا سمت نمایندگی را کسب کنند. افرادی که در شورای عالی کار برخلاف نظر 30 میلیون کارگر ایرانی با تصویب حداقل حقوقی 4 برابر زیر خط فقر، سند مرگ خانواده های کارگری را امضا می کنند و نهاد های اعزامی آنان حکم اخراج برادران کارگر خود را تایید می کنند هیچگاه تعلق به زحمتکشان ایران ندارند. ما از شما مصرانه می خواهیم که موارد نقض حقوق انسانی کارگران ایرانی را پیگیری و از پذیرفتن نمایندگان به اصطلاح کارگری خوداری کنید.



با توجه به شرایط بسیار سخت اقتصادی که گریبانگیر کشورمان گشته است، کارگران ایرانی در شرایط مطلوبی کار و زندگی نمی کنند. متأسفانه بانقض قوانین داخلی کشورمان، مقوله نامه های بنیادین آن سازمان محترم هم زیر پا گذاشته شده است که نظر شما را به بخشی از آن جلب می کنیم

1- دستمزدها در سال جاری مطابق با تورم 35 درصدی اعلام شده توسط بانک مرکزی ایران هم مطابقت نداشته و 10 درصد کمتر یعنی 25 درصد افزایش یافت بطوری که اعتراض احمدی عضو شورای عالی کار را نیز در پی داشت او می گوید: «در 12 سال گذشته همیشه افزایش حداقل مزد کمتر از نرخ رسمی تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی بوده است» (ایلنا 1392/2/1) که این نقض آشکار ماده 41 قانون کار و بند 12 از اصل 3 قانون اساسی کشورمان و اصل 95 از مقوله نامه های بنیادین آن سازمان است.

همچنین در خصوص عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران، اعتراض 100 کارگر نساجی مازندران در مقابل مجلس 1391/8/24 که به نمایندگی از طرف 800 کارگر این کارخانه که 27 ماه است حقوق شان پرداخت نشده است و اعتراض 1300 کارگر لوله سازی صفا در استان ساوه 1391/10/12 به مدت 6 ماه اشاره نمود. محجوب یکی از نمایندگان مجلس در 1392/2/5 اعلام کرد 200 هزار کارگر از تاخیر و عدم پرداخت حقوق رنج می برند.

2- در بحث اشتغال زایی نه تنها سیاست آزاد کردن اقتصاد، تولید صنعتی کشورمان دچار نقصان شد، بلکه کارگاههای کوچک قطعه سازی وابسته به صنایع خودرو سازی نیز به تعطیلی کشیده شد. عضو هیات مدیره کانون عالی کارفرمایان کشور سید حمزه دروادی می گوید: «آمارهای دولت در باره اشتغال و بیکاری قابل اطمینان نیست» (ایلنا 1391/8/12) و دکتر مردوخ اقتصاددان می گوید: «اهداف اشتغال زایی محقق نشد و اشتغال ناچیز زنان در جمعیت شاغل کشور از 15 درصد تجاوز نکرد.» (ایلنا 1391/10/5) و همچنین خبرگزاری کار ایران گزارش کرد که در سال گذشته 200 هزار کارگر بیکار و 3000 واحد تولیدی تعطیل شده اند. در آخرین بیکار سازی ها هم می توان به اخراج 1000 کارگر جبل بر استان هرمزگان و 550 کارگر لامپ سازی الوند قزوین اشاره کرد (به نقل از ایلنا) که این مواد نقض آشکار بند 2 از اصل 43 قانون اساسی کشورمان و اصل 122 مقوله نامه های بنیادین آن سازمان است.

3- تبعیض جنسی، مذهبی، محیط کار را می توان در کلیه کارخانه های مواد غذایی و پروتئینی مشاهده نمود که از استخدام اقلیت های دینی خودداری کرده و این افراد هیچگاه در خط تولید قرار نمی گیرند. همچنین در بسیاری از رشته های تحصیلی و شغلی زنان با دستورهایی بیبایی از امکان راهیابی به شغل مورد علاقه خود منع می شوند. از جمله مهندسی معدن. به گفته اقتصاددان دکتر مردوخ: «اشتغال ناچیز زنان در جمعیت شاغل کشور از 15 درصد تجاوز کرده است.» این موارد ناقض اصول 19 و 20 قانون اساسی کشور و اصل 111 مقوله نامه های بنیادین است.

4- در بحث دستمزد مساوی برای کارمساوی بامردان، افشین حبیب زاده عضو هیات مدیره خبرگزاری کار ایران می گوید: «در کارگاههای